

**تبیین بازخوردی تأثیر طرح‌های تحرک اقتصادی دولت
بر شرایط اجتماعی جامعه
(مطالعه موردی: طرح حمایتی وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو
سال ۹۴)**

نوع مقاله: پژوهشی

رضا اسمعیل^۱

ساسان ودیعه^۲

خلیل میرزایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین بازخوردی طرح‌های تحرک اقتصادی دولت بر شرایط جامعه (طرح حمایتی وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) انجام گردیده است. روش پژوهش حاضر پژوهشی کیفی، از نوع زمینه بنیاد است، جامعه آماری مورد نظر تمامی نخبه‌گان اقتصادی و اجتماعی در سطح کشور هستند که با روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند انتخاب گردیدند (۲۰ نفر تا اشیاع نظری) و ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر، مصاحبه‌ی نیمه‌باز یا نیمه‌ساخت‌دار بود که در حین مصاحبه براساس نظرات نخبه‌گان پرسش‌ها جهت داده شدند. تحلیل داده‌های به دست‌آمده از مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی صورت گرفت و مدل طرح پژوهشی تدوین گردید. بنابر نتایج به دست‌آمده مشخص شد که در این طرح جامعه چه وام‌گیرندگان و خریداران مصرف‌کننده و چه کسانی که از طرح استفاده نکرده‌اند جزو

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

r.esmaeel@cbi.ir

^۲ استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Sas.Vadiea@iaactb.ac.ir

^۳ دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران
Mirzaeei_khalil@riau.ac.ir

متضرران اصلی بودند و بیشتر منافع را دولت، خودروسازان و دلان خودرو به دست آوردند. بازخوردهای اجتماعی مثبت طرح اتحاد جامعه و رفاه شهروندان و بازخوردهای اجتماعی منفی رفتار هیجانی جامعه، عدم همبستگی جامعه، بی‌اعتمادی به دولت و عدم اعتماد اجتماعی بود. بازخوردهای اقتصادی منفی طرح ایجاد بحران اقتصادی، ایجاد تورم، افزایش بدهی‌های بانکی و وابستگی صنایع و بازخوردهای اقتصادی مثبت رفع موقتی بحران، تحرک اقتصادی موقت، خروج از رکود و رونق اقتصادی مقطعی بود. همچنین در این طرح آینده‌نگری‌ای وجود نداشته است و به لزوم آینده‌نگری در طرح‌های آتی اشاره گردیده است.

کلمات کلیدی: طرح حمایتی، تحرک اقتصادی، بازخورد اجتماعی، بازخورد اقتصاد

طبقه‌بندی JEL : Z13

مقدمه

بزرگترین هزینه‌کننده، بزرگترین وام‌دهنده، بزرگترین وام‌گیرنده، بزرگترین کارفرما، بزرگترین مالک، بزرگترین اجاره‌کننده، بزرگترین بیمه‌گر و ... در اقتصادهای پیشرفته امروزی، دولت است (چاوز^۱، ۲۰۱۹).

از دیدگاه نهادگرایی، دولت را نباید به مثابه یک کل منسجم و یک‌پارچه در نظر گرفت، بلکه دولت عبارت از مجموعه‌ای از نهادها به همراه طیف متنوعی از افراد است که در درون آن به حداکثرسازی مطلوبیت خود مشغولند (تسلیمی، ۱۳۹۴). براساس این دیدگاه، اقتصاد کشور سال‌هاست که درگیر مسائل نهادی است. ساختار نهادی کشور به‌گونه‌ای شکل گرفته است، که نیازمند بازنگری است و اولین قدم در این زمینه را باید دولت به‌عنوان بزرگترین و اثرگذارترین نهاد بر دارد. نشانه‌های این جریان در بخش‌های مختلف جامعه‌ی ما وجود دارد، به‌گونه‌ای که تمام منابع در جامعه به‌دلیل به‌صرفه‌تر بودن، به‌سوی فعالیت‌های غیرمولد هدایت شده و به جای اثربخشی در فعالیت‌های مولد که لازمه‌ی حرکت به‌سمت توسعه و رشد اقتصادی است را به انحراف کشیده است.

نخستین علت افزایش مخارج عمومی به‌صورت مستمر و افزایش انتظارات اجتماعی برای این افزایش را می‌توان تغییر ساختار و تجدید بنای جامعه نوین دانست. رشد درآمد سرانه در هر اقتصادی قابلیت و دامنه انتخاب اجتماعی خانوارها را افزایش خواهد داد (بنوس^۲، ۲۰۰۹: ۳). از سوی دیگر، دولت‌هایی که درآمد حاصل از فروش نفت را مستقیماً وارد بودجه سالیانه خود می‌کنند انگیزه بیشتری برای افزایش سهم خود در اقتصاد و گسترش دخالت در امور اقتصادی جامعه دارند. این مکانیزم از یک‌سو هزینه‌های دولت را به قیمت جاری افزایش خواهد داد و از سوی دیگر ارزش واقعی خدمات دولت را کاهش می‌دهد؛ لذا دولت برای تقویت نقش واقعی خود همواره باید بیش از ارقام نرخ رشد پولی و نرخ تورم، هزینه‌های خود و در نتیجه سهم خود را در اقتصاد گسترش دهد (مردوخ، ۱۳۸۰). در ایران نیز با توجه به ورود درآمد سرانه نفت به بازار، دولت تمایل دارد تا در اقتصاد و بازار دخالت نماید و این امر موجب برهم خوردن تعادل بازار می‌شود.

برنامه‌ها و طرح‌های رفاهی که توسط دولت‌ها به اجرا گذاشته می‌شوند، مصداق تکیه بر نقش ساختاری دولت در ایجاد رفاه است که امروزه در تمام ملل دنیا از منظر اقتصادی و اجتماعی از اهمیت روزافزونی برخوردار بوده و به یک رکن اساسی در اقتصاد بازار تبدیل شده است. درواقع این طرح‌های رفاهی به‌عنوان تثبیت‌کننده رفاه اجتماعی و در عین حال، تنظیم‌کننده عدالت اجتماعی و

¹ Chavez, S

² Benos, N

برابری عمل می‌کنند. با توجه به گستردگی، پیچیدگی و اثرات جدی و سرنوشت‌سازی که هر یک از این طرح‌ها و برنامه‌های رفاهی بر زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم دارند، موفقیت یا عدم موفقیت آنها در دستیابی به اهداف بطنی و پیش‌بینی‌شده خود می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای در بهبود و یا عدم بهبود وضعیت رفاهی و عدالت اجتماعی در کشور برای اکثریت شهروندان شود. درواقع، گزینش صحیح می‌تواند منابع برقراری عدالت اجتماعی را به جلو براند و در عوض اعمال سیاست‌های نادرست، نه تنها نیروها و منابع کشور را تحلیل می‌برد، بلکه ممکن است زمینه نابرابری‌ها و نارضایتی‌های بیشتری را فراهم آورند. بنابراین تناسب برنامه با شرایط اقتصادی و اولویت‌های یک جامعه، رکنی اساسی در گزینش صحیح سیاست‌های اجتماعی است که خود این امر مستلزم شناخت شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کشور است، چرا که در غیر این صورت، اعمال سیاستی نادرست و یا عدم توجه به اولویت‌ها به دلیل عدم شناخت شرایط و ملزومات یک جامعه، ضمن اتلاف وقت، هزینه و انرژی بسیار، و تحت‌الشعاع قرار دادن همه جانبه زندگی گروه عظیمی از جمعیت کشور، می‌تواند پیامدهای مخرب بعدی را موجب شود. این امر در شرایطی است که، تفحص بر سر تشخیص تناسب برنامه‌های رفاهی با شرایط جامعه جهت اعمال سیاستی مناسب به امری ضروری بدل شده است (وصالی و بساطیان، ۱۳۹۰). در کشور ایران نمی‌توان به یقین مشخص کرد که چه خط مشی اقتصادی در پیش گرفته شده است و این مشخص است که مضرات نداشتن برنامه و اتخاذ یک تصمیم مشخص از مشکلات دامن‌گیر کشور است. نگاهی گذرا به توزیع صنایع جهان، بی‌درنگ شکاف بین جهان توسعه‌یافته و جهان سوم را آشکار می‌سازد. بی‌تردید، صنعت خودرو یکی از مهم‌ترین قوای محرکه برای رشد و توسعه اقتصادی کشورها در قرن بیستم بوده است. چهل سال پیش، پیترو دراکر^۱ به بخش صنعت خودرو، لقب صنعت صنعت‌ها را اطلاق کرد (کمیسیون اقتصاد کلان-اتاق ایران، ۱۳۹۲).

در سال ۹۴ دولت با کمپین‌های خریدن خودرو داخلی روبرو گردید و جامعه به‌شدت از این کمپین‌ها استقبال کرد و صنعت خودرو با رکود مواجه شد، دولت برای خروج از رکود اعلام نمود در کنار یارانه و وام مستقیمی که به دو خودروساز کشور پرداخت می‌نماید، تسهیلات ۲۵۰ میلیون ریالی نیز برای خرید خودرو از سوی مردم در نظر گرفته است و تا پایان اردیبهشت ۹۵ اقدام به پرداخت آن می‌کند. این تصمیم همواره نگرانی و هشدارهای کارشناسان اقتصادی را در برداشته است. یکی از تأثیرات منفی پرداخت این تسهیلات این است که متقاضیان نیازمند ناگزیر به خرید خودرو می‌شوند و در نهایت آن را به قیمتی نازل در بازار می‌فروشند و کشور بدل به سرای خودروهای صفر کیلومتر غیرقابل استفاده می‌شود و این مسئله باعث از بین رفتن سرمایه ملی

¹ Peter Drucker

می‌گردد. همچنین، با افزایش نقدینگی تورم نیز متأثر می‌شود. علاوه بر این، حمایت نقدی دولت از خودروسازان بیشتر از نهیب، باعث تشویق آنها می‌شود. پس از اینکه خودروسازان بیش از ظرفیت تعیین شده (موجودی انبارهایشان) ثبت نام انجام دادند، نامه‌ای از طرف بانک مرکزی به وزارت صنعت ابلاغ شد که طی آن بانک مرکزی ادعا کرد هیچ تعهدی نسبت به ثبت نام‌های اضافه نخواهد داشت. در پی این نامه و نگرانی ثبت نام‌کنندگان از آینده طرح، برخی از مشتریان اقدام به انصراف از ثبت نام کردند.

تا بدین جا، از طرح‌های تحرک اقتصادی و حمایت از صنعت توسط دولت صحبت شده است. اما مهم‌ترین مسئله‌ای که محقق را بر آن داشت تا به انجام این پژوهش بپردازد، تأثیر جامعه‌شناختی طرح‌های تحرک اقتصادی دولت بر شرایط اجتماعی جامعه است.

طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) به دلیل ماهیتی که دارد می‌تواند تمام عرصه‌های زندگی ایرانیان را تحت تأثیر خود قرار دهد. این طرح تنها یک برنامه صرفاً اقتصادی نیست بلکه، سیاست کلانی است که می‌تواند بر تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی از جمله وضعیت رفاهی-اقتصادی جامعه، بازار اشتغال و درآمد، الگوی هزینه و مصرف خانوار و همچنین مشکلات اجتماعی از قبیل فقر و نابرابری، اعتیاد، بیکاری، مشکلات نهاد خانواده و... اثرگذار باشد. بدیهی است شناخت تمامی پیامدها و جوانب مثبت و منفی طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) می‌تواند در پیشبرد و تقویت هرچه بهتر اثرات مثبت آن و کنترل و تعدیل آثار سوء آن مثمر ثمر باشد.

با توجه به مطالب بیان شده، سؤال اصلی این تحقیق بدین شرح است که طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) که برخاسته از فشار مردم برای نخریدن خودروهای داخلی و دیگر شرایط اجتماعی بوده است) چه تأثیری بر روی شرایط اجتماعی جامعه گذاشته است؟ به عبارتی محقق به دنبال پیش‌بینی رفتار اجتماعی از طریق بررسی تأثیر پدیده‌های کلان اقتصادی و ... است، تا شیوه‌های کمینه کردن خطای تدوین برنامه‌های دولتی و همچنین برآورد دقیق‌تر از واکنش‌های جامعه را ارزیابی و تحلیل نماید.

تأمین رفاه اجتماعی یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران در جوامع مختلف است که این مهم در اسناد بالادستی نظام و جهت‌گیری‌های کلان و راهبردی ایران نیز همواره مورد تأکید بوده است. سیاست‌های مالی از جمله سیاست‌های رایجی است که توسط دولت‌ها با مقاصد مختلف در اقتصاد ایران به کار گرفته می‌شود که در این بین، ارزیابی اثرات این نوع سیاست‌ها بر جامعه می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد. بررسی آثار سیاست‌های مالی دولت بر روی جامعه، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه‌ای که بخش عمده درآمدهای دولت از محل صدور منابع طبیعی (به‌طور

ویژه نفت) تأمین می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت بالای این تحقیق آنجا مشخص می‌شود که سیاست مالی دولت در شرایطی مورد بررسی قرار خواهد گرفت که در پس آن، نارضایتی اقتصادی از سوی جامعه و تحت فشار قرار دادن چند شرکت دولتی توسط مردم قرار دارد. در این تحقیق طرح تحرک اقتصادی دولت در سال ۱۳۹۴ (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو) مورد بررسی قرار خواهد گرفت که به دنبال ایجاد کمپین‌های مؤثر عدم خرید محصول داخلی اتخاذ شده و به نظر می‌رسد اثرات اجتماعی زیادی را بر روی اقتصاد و جامعه گذارده است و همچنین، در پی این هستیم که این اثرات بر روی شرایط اجتماعی چه بوده است و آیا آینده نگری (پیش‌بینی) درستی از بازخوردهای جامعه صورت گرفته است؟

هدف اصلی

بررسی و شناسایی اثرات اجتماعی طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) بر جامعه.

اهداف فرعی

بررسی و شناسایی بازخوردهای اجتماعی اجرای طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) از طرف جامعه.

بررسی و شناسایی بازخوردهای اقتصادی طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) از طرف جامعه.

بررسی و شناسایی میزان ضرورت آینده‌نگری (پیش‌بینی کردن رفتار اجتماعی) و تبیین دقیق خط مشی اقتصادی در اجرای طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) در نظر گرفته می‌شود، تا اثرات سوء اجرای این طرح کنترل و حداقل‌سازی شود. ارائه مدل نظری در خصوص اثرات اجتماعی طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴).

براساس مسأله‌ی اصلی و اهداف پژوهش، در بخش دوم مبانی نظری و پیشینه تحقیق مرور شده است. در بخش سوم روش‌شناسی پژوهش که بر مبنای کیفی است آورده شده و در بخش چهارم یافته‌های پژوهش در قالب جداول و نمودار مطرح شده است. در بخش پنجم و نهمی به بحث و نتیجه‌گیری در یافته‌های پژوهش با استفاده از مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش پرداخته شده است.

مبانی نظری پژوهش

رویکرد نظری آدام اسمیت به جایگاه و نقش دولت در اقتصاد

آدام اسمیت^۱ زمینه‌های لازم برای مداخله دولت را به‌عنوان حاکمیت در قالب دو وظیفه عمده مشخص نموده است (اسمیت، ۱۳۵۷: ۲۱۳). نخستین وظیفه دولت حفظ و حراست جامعه از قهر و حمله جوامع دیگر است که فقط توسط نیروی انتظامی ممکن می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۳). وظیفه دوم دولت حمایت از هر عضو اجتماع در برابر ظلم و زورگویی عضو دیگر آن است، یعنی استقرار یک عدلیه دقیق است.

آدام اسمیت برای دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی حوزه عمل وسیعی قائل نبوده و معتقد است که رفاه اجتماعی بهینه را می‌توان از طریق بازارهای رقابتی که در آنها نفع شخصی انگیزه عاملان اقتصادی است به حداکثر رساند. پس از او نیز نظریه آزادی کامل اقتصادی توسعه‌یافته و توجیه نظری در دفاع از بازارهای فارغ از محدودیت توسط کلاسیک‌ها و بعدها نیز نئوکلاسیک‌ها بسیار پیشرفت کرده است (افتخاری، ۱۳۸۳).

در نظام کلاسیک، بازار، تعادل همراه با کارایی را شکل می‌دهد و پیروی از نفع شخصی، نفع جامعه را در پی دارد. حضور دولت در اقتصاد، آزادی را محدود می‌کند و تعادل را به هم می‌زند و کارایی را از بین می‌برد. دولت فقط در مواردی حضور می‌یابد که نظام بازار در آن بخش حضور کارا ندارد. مواری همچون نبود آزادی اقتصادی، نبود زمینه‌های اجتماعی مناسب مانند برابری و امنیت، تجاوز به حقوق و آزادی فردی از طریق انحصارها یا فعالیت‌های ناسالم و عدم تضمین اجرای عدالت اجتماعی و رفع تبعیض در اعطای تسهیلات از این قبیل است؛ به همین جهت، دولت کلاسیکی سه وظیفه مهم را بر عهده دارد:

الف) ایجاد امنیت داخلی و دفاع خارجی؛

ب) برقراری عدالت از طریق ایجاد نهادهای قانون‌گذاری و نظارتی و تصویب قوانینی از قبیل قانون کار، مالکیت و ...؛

ج) ایجاد تأسیسات عمومی و فعالیت‌هایی که یا از عهده‌ی اشخاص خارج است یا بخش خصوصی انگیزه‌ی انجام آن را ندارد.

دولت مالیات مناسب وضع، و سیاست حمایتی از کالاهایی داخلی در برابر کالاهای خارجی را اعمال می‌کند؛ ولی نباید در اقتصاد تصدی‌گری کند؛ زیرا دولت، مدیر و تاجر خوبی نیست و زیان

¹ Adam Smith

دخالت آن بیش‌تر از زیان انحصار بخش خصوصی است. گسترش دولت به معنای اختصاص درآمد ملی به سرمایه‌گذاری در امور غیر مولد است که دولت‌ها انجام می‌دهند (رنانی، ۱۳۸۱: ۳۷۵).

رویکرد نظری مارکس به جایگاه و نقش دولت در اقتصاد

افراطی‌ترین دیدگاه در زمینه دخالت دولت در اقتصاد را در چارچوب نظام سوسیالیستی کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸) مطرح کرده است. مارکس، هدف بررسی‌های خود را اثبات قانونمندی‌هایی می‌داند که بر جریان اقتصاد در نظام‌های گوناگون در طول تاریخ بشر حاکم بوده است و عمده سعی خود را در کشف قانونمندی‌های نظام سرمایه‌داری و چگونگی تغییر و تحول آن به نظام سوسیالیستی به‌کار گرفت (دادیدار، ۱۳۵۸: ۲۹۸؛ به نقل از افتخاری، ۱۳۸۳).

در نظام اقتصادی متمرکز دولتی مبتنی بر نظریات سوسیالیسم یک قدرت مرکزی وظیفه تنظیم برنامه دادن، رهنمون و فرمان برای اجرای برنامه را با توجه به اهداف و اولویت‌های در نظر گرفته شده برعهده دارد. اهداف برنامه مانند رشد سالانه تولید ملی، سهم کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای به‌وسیله سازمان برنامه‌ریزی مرکزی تعیین شده و سپس متناسب با منافع موجود در هر منطقه و در هر واحد تولیدی، نسبت آنها معین می‌گردد. در این نظام مکانیزم قیمت در تعیین مقدار، چگونگی، زمان، مکان و هدف تولید هیچ نقشی ندارد و همه این مسائل را سازمان برنامه‌ریزی مرکزی دولتی با هدف تأمین کالا و خدمات اجتماعی مشخص می‌کند (قره باغیان، ۱۳۷۲: ۹۱۳-۹۱۱؛ به نقل از افتخاری، ۱۳۸۳).

رویکرد سوسیالیستی بیان می‌کند که دولت در اقتصاد نقش اساسی دارد. مدیریت دولتی اقتصاد، برنامه‌ریزی گسترده و محدودیت یا حذف مالکیت خصوصی از معیارهای مهم سوسیالیست است. دولت سوسیالیستی برنامه‌ریز متمرکز، بیش‌ترین وظایف دولت را در صحنه اقتصاد دارا است.

رویکرد نظری جان مینارد کینز به جایگاه و نقش دولت در اقتصاد

ایده اولیه تعدیل خودکار بازار عملاً با دو مشکل عمده شامل مباحث نظری و مباحث تجربی مواجه شد از دیدگاه نظری نظریه‌پردازان اقتصادی با بیان عدم توانایی بازار در حل برخی مسائل، مفهوم شکست بازار را مطرح کردند (بایلی^۱، ۱۹۹۵؛ استارت^۲، ۱۹۷۴؛ به نقل از افتخاری، ۱۳۸۳).

^۱ Bailey

^۲ Starret

بنابر نظر اقتصاددان انگلیسی - جان مینارد کینز^۱، اوضاع اقتصادی ناشی از رکود بزرگ ۳۲- ۱۹۲۹ و ناکامی‌های نظام اقتصادی سرمایه‌داری مبتنی بر آموزه‌های کلاسیکی این اقتصاددان را واداشت تا توصیه‌های سیاستی متفاوتی از کلاسیک‌ها ارائه نماید. به اعتقاد او با دخالت دولت در سازوکارهای اقتصادی و تنظیم و هدایت مکانیزم بازار می‌توان این نارسایی‌ها را بر طرف ساخت و نظام اقتصادی را به‌سوی وضعیت بهتری از لحاظ تخصیص منابع و ایجاد اشتغال کامل سوق داد (افتخاری، ۱۳۸۳).

او معتقد است که نظام سرمایه‌داری آزاد، دو نقص عمده و ساختاری دارد که بدون دخالت دولت نمی‌توان آنها را برطرف ساخت. این دو نقص، اشتغال کامل عوامل تولید و توزیع ناعادلانه درآمد و ثروت است یکی از مفسران اندیشه کینز پیام اصلی کتاب نظریه عمومی را متشکل از سه بخش می‌داند (پی، هویت^۲، ۱۹۹۰؛ به نقل از افتخاری، ۱۳۸۳).

نخست اینکه اگر نظام بازار آزاد به حال خود گذاشته شود همیشه در وضعیت تعادل ناقص به سر می‌برد و هیچ مکانیزم درونی آن را به سوی تعادل اشتغال کامل سوق نمی‌دهد از این‌رو دخالت دولت برای برطرف کردن بیکاری ناخواسته عوامل تولید ضرورت دارد. دوم اینکه بیکاری بر خلاف تصور اقتصاددانان ارتودوکس به دستمزدهای انعطاف‌پذیر ربطی نداشته و سیاست ایجاد دستمزدهای انعطاف‌پذیر به‌جای برطرف کردن مشکل، احتمالاً باعث تشدید آن می‌شود. از نظر کینز کاهش دستمزدها باعث کاهش بیشتر تقاضای کل و در نتیجه تشدید بیکاری می‌شود. از این‌رو دولت باید با سیاست توزیع مجدد درآمد جلو پایین آمدن تقاضای مصرفی خانوارها را در زمان رکود بگیرد. از طرف دیگر پایین بودن سرمایه‌گذاری به‌عنوان بخشی از تقاضای کل منشاء اصلی بیکاری است. در این شرایط نیز دولت باید با اتخاذ تدابیری نظیر پایین آوردن نرخ بهره، انگیزه سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها را افزایش دهد، سوم اینکه، دولت می‌تواند در زمان رکود، هزینه‌های خود را افزایش دهد تا از پایین آمدن تقاضای کل و در نتیجه کاهش سطح تولید جلوگیری نماید (افتخاری، ۱۳۸۳).

به این ترتیب کینز با صراحت و قطعیت سیاست مداخله و ارشاد دولت را در امور اقتصادی توصیه می‌کند که وسیله عمده اعمال نظارت بر سرمایه‌گذاری و هدف آن ثابت نگاه داشتن فعالیت اقتصادی در حد اشتغال کامل است (قدیری اصل، ۱۳۷۶؛ به نقل از افتخاری، ۱۳۸۳).

دولت از طریق سیاست‌های کلان اقتصاد، جامعه را تنظیم می‌کند و بدون فرآیند ورود به بازار باتوجه به اهداف کلی اقتصاد مثل اشتغال کامل و کاهش دوران رکود، مدیریت اقتصادی انجام

¹ John Maynard Keynes

² P. Howit

می‌دهد. دولت کینزی کمبودهای نظام سرمایه‌داری را برطرف می‌ساخت و آن را در رسیدن به اهداف یاری می‌داد (فیتزپتریک^۱، ۱۳۸۱: ۱۶۲ - ۱۶۵).

نظریه‌ی دولت رفاه

رفع فقر و ایجاد حداقل زندگی برای مردم به‌وسیله‌ی دولت، در پرتو نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی تحقق می‌یابد. دولت، طیف گسترده‌ای از خدمات اجتماعی را برای همه‌ی افراد ارائه می‌دهد؛ از اشتغال کامل حمایت می‌کند و ضمن دفاع از اقتصاد بازار، برخی از صنایع کلیدی، ملی‌شده یا تحت نظارت کامل دولت قرار می‌گیرد. نیمه‌ی دوم قرن بیستم، زمان گسترش این نظریه و تحقق آن در اروپای شمالی بود. گرچه با موانعی به علت مباحث تعدیل اقتصادی و جهانی‌سازی روبه‌رو شده است. تأمین حداقل‌های لازم برای معیشت شرافتمندانه مردم، علت اساسی حضور دولت رفاه در اقتصاد است؛ البته قلمرو حضور آن فراگیرتر از دولت نئوکلاسیکی و کمتر از دولت سوسیالیستی است و با دولت کینزی سازگاری دارد (دادگر، ۱۳۸۰: ۵۷ - ۶۲). هدف دولت رفاه، جامعه‌ی بی‌طبقه نیست؛ بلکه جامعه‌ای است که در آن شایستگی و تحرک اجتماعی اهمیت بیشتری از تقسیم‌بندی‌های درآمدی داشته باشد. دولت رفاه می‌کوشد پنج نوع برابری ایجاد کند: برابری استفاده از هزینه‌های عمومی، برابری درآمد نهایی، برابری استفاده از خدمات اجتماعی، برابری هزینه‌برداری خدمات اجتماعی و برابری نتیجه، ... دولت رفاه در پی رفع فقر و محرومیت ناشی از بازار سرمایه‌داری است، نه در پی حذف شرایط سرمایه‌داری (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۷۴ - ۱۶۶).

این نظریه تأکید می‌کند که اگر بر درستی‌های گذشته صحنه گذارده شود و روابط درستی بین دولت و اقتصاد، دولت و افراد، دولت و جوامع محلی و بین خود افراد برقرار شود، می‌توان نواقص گذشته را برطرف کرد. هرچند که جزئیات نظریه نئولیبرال ممکن است پیچیده باشد اما کلیت آن نسبتاً واضح و ساده است و بر یک سری فرضیات به شرح زیر، درباره ماهیت رفتار انسان و مؤسسات استوار است (موسوی و محمدی، ۱۳۸۸).

نظریه‌ی هزینه‌ی مبادله

در این نظریه، دخالت دولت برای کاهش دادن هزینه‌ی معاملاتی است و علت اساسی شکست بازار را هزینه‌ی تحمیل‌شده بر اقتصاد می‌داند. دولت با وضع مقررات بر چگونگی کارکرد عوامل اقتصادی نظارت دارد؛ بنابراین، نهاد دولت در کنار نهاد بنگاه و بازار باید وجود یابد و اندازه‌ی بهینه‌ی دولت

¹ Fitzpatrick

بر حسب درجه‌ی توسعه‌یافتگی و کارکرد نهادهای بنگاه و بازار در حدی است که هزینه‌های معاملاتی کلی اقتصاد را به حداقل برساند. دولت نهادگرا باید وظیفه‌ی مکمل بازار و بنگاه بودن را به دوش بکشد و در زمینه‌های فعالیتی جانشین بنگاه و بازار، به حداقل ممکن بسنده کند. دولت در زمینه‌ی مسائلی چون حقوق مالکیت، دستگاه قضایی، امنیت، تعریف استانداردها، ثبات اقتصاد که فعالیت بازار و بنگاه وابسته به آن است، باید فعالیت خود را گسترش دهد و برای فعالیت‌هایی که جانشین فعالیت بازار می‌شود، باید سیاست کاهش را پیش گیرد؛ مثل تولید کالاهای عمومی قابل تولید به شیوه‌ی خصوصی یا تولید کالاهای خصوصی دارای آثار جانبی مثبت و یا حتی تولید کالاهای خصوصی معمول. کوز از نظریه‌پردازان این مکتب مدعی است که اگر دولت حقوق مالکیت را به‌طور شفاف تعیین و تصریح کند، عوامل اقتصادی خواهند توانست هرگونه پیامد خارجی حاصل از شکست بازار را درونی کنند. اگر افراد، شکست‌های بازار و کاستی‌های آن را درونی کنند، توجیه دخالت دولت از بین می‌رود. با تعیین حقوق مالکیت افراد، پیامدهای خارجی منفی و مثبت به‌صورت ایجاد ضرر در مالکیت افراد یا استفاده از مالکیت افراد خواهد بود و باید هزینه‌ی آن داده شود؛ البته استفاده از این حقوق برای افراد همراه با هزینه‌ی معاملاتی است (رنانی، ۱۳۸۱: ۳۷۸ - ۳۷۹).

پیشینه‌ی پژوهشی

نبوی و امینی رارانی (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان "سیاست‌های اقتصادی و مشکلات اجتماعی در ایران" انجام دادند. این پژوهش که با رویکردی انتقادی به سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها پرداخته است و اذعان دارد که در نتیجه این سیاست، با افزایش هزینه‌های خانوار، ایجاد تورم و به‌وجود آوردن فرهنگ وابستگی، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم سبب تغییر در بروز و ماهیت مشکلات اجتماعی شده است. شکل‌گیری نیم‌رخ جدیدی از مشکلات اجتماعی همچون مشکلات نهاد خانواده، طلاق، فساد مالی و اداری، اعتیاد و ... در ایران در پی توزیع نقدی و فراگیر یارانه‌ها، از مهم‌ترین نتایج بیان شده در این پژوهش است.

وصالی و بساطیان (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی جایگاه دولت فعال در ایران (در باب تطبیق تابع رفاه دولتی با تابع رفاه اجتماعی در ایران)" انجام دادند. موضوع بهبود و رفاه مانند بسیاری از پدیده‌ها به‌لحاظ ارتباط آن با انسان چندبُعدی و نیز ارتباط آن با یک مجموعه کلی، نیازمند شناخت قابل قبولی از موضوعات گوناگون مرتبط است. این تحقیق با کاربرد مفاهیم میان رشته‌ای و با بهره‌گیری از روش پیمایشی، موضوع «رفاه اجتماعی» را مورد بحث قرار داده است. بدین منظور در ابتدا به ارائه مهم‌ترین دیدگاه‌های سیاست اجتماعی و راه‌کارهای ارائه‌شده از سوی

این دیدگاه‌ها درباره برقراری رفاه اجتماعی پرداخته و با برجسته ساختن «دیدگاه دولت فعال» به تشریح چگونگی برقراری رفاه اجتماعی با استناد به این دیدگاه پرداخته شده است. در ادامه، این پژوهش نشان می‌دهد از آنجایی که برقراری رفاه اجتماعی مستلزم تطبیق تابع رفاه دولت (برنامه‌های رفاهی دولت) و تابع رفاه اجتماعی (نیازهای رفاهی مردم) است و حاصل تحلیل پیمایشی (نیاز سنجی) در بین شهروندان تهرانی نشان داد که ۶۰ درصد پاسخ‌گویان اشتغال را مهم‌ترین نیاز حال حاضر شرایط ایران دانسته‌اند، و با توجه به نرخ بالای بیکاری در سال‌های اخیر، ایجاد اشتغال توسط دولت به نوعی می‌تواند توفیقی در برقراری رفاه اجتماعی از طریق تطبیق توابع یاد شده باشد.

شریفی رنانی، شعاعی، میرفتاح و توکلی‌نیا (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیرات آزادسازی اقتصادی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران: با تأکید بر آزادسازی تجاری" انجام دادند. پدیده‌ی جهانی شدن که فرآیند درهم‌آمیختن و ادغام اقتصادهای ملی با اقتصاد جهانی است، در دهه‌های اخیر مورد بحث اکثر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است. آزادسازی تجاری نیز که به‌عنوان حرکت به سمت تجارت آزاد از طریق کاهش در تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری تعریف شده، مهم‌ترین نیروی پیش‌برنده‌ی جهانی شدن محسوب می‌شود. آزادسازی و جهانی شدن موجب افزایش حجم و نوع مبادلات مرزی کالاها و خدمات (افزایش بازرگانی بین‌المللی)، افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بین‌المللی و همچنین تسریع انتقال فناوری و جهانی شدن تولید می‌شود. از این رو این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است. این مقاله به بررسی اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت آزادسازی تجاری بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری (VEC) و طی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۷-۱۳۶۸ و ۱۳۸۷-۱۳۷۴ می‌پردازد. نتایج تخمین حاکی از آن است که برقراری سیاست آزادسازی در بلندمدت و در قالب الگوی محاسبه شده توسط محقق، منجر به افزایش حجم تولید و بهره‌وری و نیز کاهش تورم می‌شود ولی بر تراز تجاری تأثیری ندارد. همچنین اثر منفی آزادسازی بر حجم پول در کشور نیز معنادار نیست.

مولدیان، ذوالفقاری و عظیم‌زادگان (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه اقتصادی" انجام دادند. در این مقاله توسعه اجتماعی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجایی که فرهنگ یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی در توسعه هر کشوری است، لازم است بدانیم تا چند دهه قبل عقیده اکثر صاحب‌نظران این بود که توسعه مفهومی اقتصادی دارد؛ به عبارت دیگر، توسعه فقط جنبه اقتصادی داشت و کشورها در جهت دستیابی به توسعه، به تقویت اقتصاد خویش می‌پرداختند. جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی سازمان امور اقتصادی و دارایی استان خراسان شمالی به تعداد ۱۰۰ نفر تشکیل داده‌اند. که به‌شیوه

روش نمونه‌گیری شمارش کامل افراد جامعه‌ی مورد مطالعه انتخاب شدند. جهت سنجش عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در توسعه اقتصادی از پرسش‌نامه تنظیم شده ۱۴ سؤال محقق ساخته استفاده شده است که روایی و پایایی هر سه پرسشنامه‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین، جهت تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از آزمون‌های (تی یک طرفه و فریدمن) استفاده شده است. نتایج نشان داد عوامل اجتماعی و فرهنگی هر یک در توسعه اقتصادی تأثیر گذار هستند که در این بین نقش عامل فرهنگی در توسعه اقتصادی به مراتب بیشتر از عامل اجتماعی است.

ابراهیمی، واعظ برزانی، دلالی اصفهانی و فخار (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان "مطالعه تجربی تأثیر توسعه کیفی نظام مالی بر رشد اقتصادی (مورد ایران)" انجام دادند. از لحاظ نظری، انتظار می‌رود توسعه مالی، تخصیص منابع به بهره‌ورترین کاربردها را تسهیل کرده و باعث افزایش رشد اقتصادی شود. با این وجود، برخی الگوهای نظری و شواهد تجربی مخالف، حاکی از آن است که توسعه مالی، در موارد مختلف، دارای اثرات متفاوت و گاه متضاد بوده است. به‌ویژه، توسعه کیفی نظام مالی (نوآوری‌های مالی) علاوه بر افزایش کارایی خدمات مالی و به تبع آن کارایی کل نظام اقتصادی، به‌طور هم‌زمان زمینه سوداگری مقرراتی نهادهای مالی را فراهم می‌کند. سوداگری مقرراتی، تلاش نهادهای مالی برای عدول از مقررات سیاستی یا نظارتی برای کسب سود بیشتر است، که باعث انحراف متغیرهای اساسی اقتصادی از مقادیر بهینه آنها می‌شود و می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد. در این مطالعه تجربی، تأثیر توسعه کیفی نظام مالی بر موجودی سرمایه سرانه در اقتصاد ایران، از مجرای بی‌اثر کردن محدودیت‌های اعتبار بانکی تبیین خواهد شد. الگوی مورد استفاده مبتنی بر یک الگوی رشد اقتصادی پولی-مالی است که با افزودن تأثیر صادرات نفت به شکل ناپارامتریک، به‌صورت نیمه پارامتری تصریح و با استفاده از داده‌های اقتصادی ایران در دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۶۹ برآورد می‌گردد. براساس نتایج مطالعه، توسعه کیفی نظام مالی باعث کاهش سطح سرمایه سرانه خواهد شد. ضمن آنکه، بهینگی سطح نسبت سپرده‌های قانونی در نظام بانکداری ایران نیز قابل استنتاج خواهد بود.

محمودی، ازکیا، موسائی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان "مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای اقتصادی تعرفه‌گذاری کالاهای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران" انجام دادند. چگونگی تعرفه‌گذاری کالای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران پیامدهای اقتصادی گوناگونی به همراه داشته است. این مقاله تحقیقی کیفی با استفاده از روش نظریه بنیانی و تکنیک مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته است که با روش نمونه‌گیری هدفمند به بررسی پیامدهای اقتصادی تعرفه‌گذاری کالای وارداتی از دیدگاه کارشناسان گمرک ایران پرداخته است. در این روش با کدگذاری ۲۰ مصاحبه با مشارکت‌کنندگان اشباع نظری حاصل گردید. براساس نتایج حاصل از

تحقیق، استنباط نظری محقق بر این است که شرایط علی ناشی از زمینه‌های اقتصادی جامعه ایران مانند نوسانات تعرفه‌ای، تعدد متولیان تجارت و ... با مداخله‌گری عناصری چون زمان‌مند نبودن حمایت‌های دولتی و بی‌توجهی به تجارب سایر کشورها و راهبردها و تعاملات اتخاذشده مقطعی و منفعلانه، بی‌توجه به معیارهای توسعه اقتصادی به پیامدهای همچون ضدیت با توسعه فساد، دورزدن قانون، افزایش قاچاق، عدم رقابت‌پذیری کالای ایرانی و ... منجر گردیده است.

بیوگلس دیک و ون چیک^۱ (۲۰۰۵)، پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در مناطق اروپا" انجام دادند. آنها مطالعات خود را بر روی ۵۴ منطقه اروپا انجام دادند که با استفاده از توسعه مدل بارو (۱۹۹۱)، متغیر سرمایه اجتماعی را در این مدل وارد می‌کنند. نتایج پژوهش فوق بدین قرار است که در سطح منطقه‌ای، رشد اقتصادی با اعتماد مرتبط است و فعالیت‌های مشترک گروهی به‌طور مثبت با رشد اقتصادی در ارتباط است. براساس نتایج تجربی آنها تغییر یک انحراف معیار در فعالیت‌های گروهی، رشد اقتصادی را ۰,۰۳ درصد بالا می‌برد.

یوان کی. چو^۲ (۲۰۰۶) پژوهشی با عنوان "سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی" انجام داد. او در مقاله خود سه مدل نظری از اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی بیان کرد. در این مدل‌ها، تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی به واسطه این مفاهیم دسته‌بندی شده است: (۱) تأثیر بر انباشت سرمایه انسانی و رشد، (۲) تأثیر بر توسعه مالی از طریق اثرات آن بر اعتماد جمعی و هنجارهای اجتماعی، (۳) تسهیل شبکه‌سازی بین بنگاه‌ها و خلق و ایجاد نوآوری و تکنولوژی. او در مقاله خود مدل‌های استاتیک مقایسه‌ای و مدل‌های پویا از تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی را بیان می‌کند، که زمینه را برای انجام کارهای تجربی فراهم می‌کند.

آرکاند، برکیز و پانیزا^۳ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان "تامین مالی بیش از حد" در چارچوب یک مطالعه تجربی براساس سه روش مطالعه داده‌های مقطعی با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی، استفاده از تکنیک GMM در برآورد الگوی داده‌های تابلویی و همچنین استفاده از تخمین نیمه پارامتری داده‌های ۴۲ کشور برای دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۶۰ به مطالعه چگونگی تغییر در تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی می‌پردازند. براساس یافته‌های این مطالعه، اگر حجم اعتبار اختصاص‌یافته به بخش خصوصی معادل ۱۰۰-۸۰٪ تولید ناخالص ملی شود، اثر تخریبی توسعه مالی هویدا شده و از آن پس رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی منفی خواهد شد. همچنین، اثر تخریبی تنها به سطح توسعه مالی بستگی داشته و متأثر از مواردی چون نوسان تولید، بحران‌های بانکی، کیفیت نهادی پایین یا تفاوت در مقررات و نظارت بانکی نیست.

¹ Beugelsdijk & Van Schaik

² Yuan K. Chou

³ Arcand, J. L., Berkes, E. & Panizza, U.

روش تحقیق

پژوهش حاضر پژوهشی کیفی، از نوع نظریه‌ی زمینه بنیاد است، روش نظریه زمینه بنیاد "یک روش پژوهش نظام مند در علوم اجتماعی و حتا سائز حوزه‌ها جهت کشف و تدوین نظریه یا فرضیه‌ها از طریق داده‌هایی است که در میدان طبیعی به دست می‌آیند. بنابراین، هدف این روش تدارک رویه‌هایی مفصل و با جزئیات کامل، دقیق و نظام‌مند برای جمع‌آوری و تحلیل مداوم داده‌ها از میدان طبیعی در زمان وقوع و نظریه‌پردازی با استفاده از روش مقایسه پیوسته است" (میرزایی، ۱۳۹۵: ۲۳۵).

پژوهش حاضر، با انجام مصاحبه‌هایی با نخبه‌گان در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور انجام شد تا از طرق آن بتوان جوانب طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) و شرایط اجتماعی‌ای که جامعه در آن قرار گرفته و واکنش اجتماعی جامعه را به صورت عملیاتی درآورد و از طریق آن مدل نظری پژوهش را تدوین نمود.

جامعه آماری مورد نظر تمامی نخبه‌گان اقتصادی و اجتماعی در سطح کشور هستند که با روش نمونه‌گیری در دسترس و هدف‌مند انتخاب گردیدند (۲۰ نفر تا اشباع نظری).

ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر، مصاحبه‌ی نیمه‌باز یا نیمه‌ساخت‌دار است. "مصاحبه‌ی نیمه‌باز یا نیمه‌ساخت‌دار نوعی مصاحبه است که مبتنی بر راهنمای از پیش طراحی شده‌ای انجام می‌گیرد که پژوهشگر یا مصاحبه‌گر در خصوص حوزه‌ی موضوعی خود - مبتنی بر ادبیات پژوهش و مطالعه‌های مقدماتی - آماده کرده است، اما تاحدودی از انعطاف‌پذیری برخوردار است و از اطلاعات نو پدید استقبال می‌کند و بر آن اساس می‌تواند شرح و تفصیل یابد. بنابراین، در این نوع مصاحبه، فهرستی از پرسش‌ها یا مسأله‌ها حول حوزه‌ی موضوعی‌ای که قرار است تحت پوشش قرار گیرند، به‌عنوان راهنمای مصاحبه تهیه می‌شود، اما مصاحبه‌گر الزامی به رعایت ترتیب آنها ندارد و در عین حال در هر جا که لازم است و مبتنی بر روند مصاحبه و اطلاعات و داده‌هایی که به دست می‌آیند می‌تواند آزادانه عمل نماید؛ اما هر کجا که احساس شد مصاحبه‌شونده از موضوع مورد نظر فاصله گرفته است، می‌تواند با طرح پرسش یا باز کردن مبحث جدیدی حول موضوع خود، او را به مسیر اصلی بازگرداند" (میرزایی، ۱۳۹۵، ۷۳۰). بنابراین پرسش‌های مطرح‌شده در بخش مصاحبه با اهداف اصلی و فرعی پژوهش آغاز می‌شود و سپس براساس نظریات مطرح‌شده توسط نخبه‌گان سؤالات جهت داده شدند.

باتوجه به هدف غایی این پژوهش، استفاده از طرح اکتشافی - مدل به‌منظور ایجاد گونه‌شناسی مناسب برای رسیدن به اهداف تحقیق، مراحل انجام پژوهش حاضر به شرح زیر است:

بررسی تأثیر طرح تحرک دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو) در تغییر رفتار تولیدکنندگان و بررسی تأثیر طرح تحرک دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو) در رفتار خریداران و تحریم اجتماعی آنها و تحلیل آثار.

نحوه برآورد

با بررسی مطالعات مشابه و مصاحبه عمیق با نخبه‌گان اقتصادی و اجتماعی، در این مرحله ابتدا عوامل مؤثر شناسایی و تعیین و سپس دستهبندی و کدگذاری بر اساس کدگذاری باز محوری و گزینشی انجام گردید تا به شرایط و واکنش اجتماعی جامعه دست یافت و براساس آن مدل نظری پژوهش ارائه شد.

یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوای کیفی و مفهومی از طریق کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی انجام گردید. که در پژوهش حاضر تنها بخش کدگذاری گزینشی در قالب جدول مفاهیم اولیه، شاخص‌ها و مفاهیم نهایی ارائه و سپس براساس مفاهیم و شاخص‌های به‌دست‌آمده مدل نظری پژوهش ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۱. کدگذاری گزینشی مفاهیم در قالب شاخص‌ها و مفاهیم

ردیف	مفاهیم استخراج شده اولیه	شاخص‌ها	مفاهیم	تعداد
۱	مخالف طرح وام ۲۵ میلیونی	عدم موفقیت طرح	عدم آینده‌نگری	۵۳
۲	طرح مفید و موفق نبوده است			
۳	طرح مفید نبوده است			
۴	طرح موفق نبوده است			
۵	جنبه‌های منفی بیشتر از مثبت			
۶	طرح مناسب شرایط جامعه نیست			
۷	طرح رو کاغذ زیبا			
۸	اثرات مثبت یا منفی در نظر گرفته نشده	عدم آینده‌پژوهی طرح		
۹	راه‌کاری در جهت تعدیل اثرات منفی نداشته است			
۱۰	آینده‌نگری در نظر گرفته نشده است			
۱۱	بررسی و پژوهش کامل نبوده است			
۱۲	عدم توجه به بازخورد اقتصادی طرح قبل از اجرا			

			۱۳	عدم پیش‌بینی واکنش اقشار مختلف جامعه
۱۳	آینده‌نگری	آینده‌پژوهی طرح موفقیت طرح	۱۴	اثرات مثبت یا منفی در نظر گرفته شده
			۱۵	آینده‌نگری در نظر گرفته شده است
			۱۶	طرح مفید و موفق بوده است
			۱۷	تا حدودی موفق بوده است
			۱۸	موافق طرح وام ۲۵۰ میلیون ریالی
۱۸	رفع موقتی بحران	رفع بحران موقتی	۱۹	مسکن و کوتاه‌مدت
			۲۰	حل مسأله و رفع بحران در کوتاه‌مدت
			۲۱	آینده‌نگری کوتاه‌مدت در نظر گرفته شده
			۲۲	موفقیت کوتاه‌مدت داشته است
			۲۳	برای خودروسازها موفق بوده به‌طور موقت
			۲۴	برای تعداد معدودی موفق بوده و کم
			۲۵	در زمان اجرا تنها موفق بود
			۲۶	در کوتاه‌مدت بحران را مدیریت کرد
			۲۷	طرح فقط به‌صورت مسکن عمل می‌کند
			۲۸	تأثیر مقطعی دارد
			۲۹	فقط مسکن و موقتی است
			۳۰	کوتاه‌مدت اثرگذار است
۴۲	ایجاد بحران اقتصادی	ذی‌نفع شدن دلالتان	۳۱	تأثیر مثبت اقتصادی برای دلالتان
			۳۲	سوددهی دلالتان
		ایجاد تورم	۳۳	ایجاد تورم
			۳۴	تورم
			۳۵	رشد نقدینگی
			۳۶	نامتعادل بودن اقتصاد
			۳۷	تزریق پول و درآمد برای خودروسازها
		ایجاد بحران اقتصادی	۳۸	تأثیرات اقتصادی منفی داشته است
			۳۹	بحران آفرین
			۴۰	بالا رفتن هزینه‌های حکومت
			۴۱	عدم تأثیر مثبت اقتصادی

		بانکی بانکی	اثر منفی بر اقتصاد	۴۲
			انبوهی از بدهی‌های بانکی	۴۳
			بدهی انباشته‌شده خودروسازها به بانک‌ها	۴۴
			فشار زیاد به سیستم بانکی	۴۵
			بدهی وام‌گیرندگان به بانک‌ها	۴۶
			انبوه بدهکاران بانکی	۴۷
			فریب‌خوردگی جامعه به واسطه بدهکار شدن به بانک و داشتن انتخاب محدود	۴۸
			انبوه بدهکاران بانکی	۴۹
		بروز مجدد بحران اقتصادی	افزایش مجدد قیمت خودرو در بلندمدت	۵۰
			بروز بحران اقتصادی در حال حاضر	۵۱
۲۲	خروج از رکود	خروج از رکود اقتصادی و فروش خودرو	جلوگیری از ورشکستگی خودروسازها	۵۲
			خروج از رکود خودروسازها	۵۳
			پرداخت بدهی بانک‌ها	۵۴
			پرداخت بدهی خودرو سازها	۵۵
			خروج صنایع از رکود	۵۶
			فروش خودرو	۵۷
			سود کردن دولت	۵۸
۲۱	وابستگی صنایع	وابستگی صنایع - رکود مجدد	ادامه رکود به علت وابستگی به دولت	۵۹
			وابستگی صنایع به دولت	۶۰
			وابستگی صنعت به دولت	۶۱
		عدم پویایی صنعت	عدم پویایی و تحرک بنگاه‌های اقتصادی	۶۲
			عدم ایجاد تحرک اقتصادی	۶۳
			هدر رفت سرمایه دولت	۶۴
			صنعت رقابتی نباید این‌گونه حمایت شود	۶۵
			صرف توانمندی و منابع درخصوص یک صنعت	۶۶
۳۶	تحرک اقتصادی	تحرک اقتصادی	تأثیر مثبت اقتصادی برای خودروسازها	۶۷
			تأثیرات اقتصادی منفی نداشته است	۶۸

	مقطعی	مقطعی	۶۹	تحرك اقتصادی خودروسازها
			۷۰	تأثیر مثبت بر بحران اقتصادی
			۷۱	تحرك اقتصادی
			۷۲	تأثیر مثبت اقتصادی
			۷۳	توزیع عادلانه ثروت
			۷۴	افزایش سرمایه ذی‌نفعان
			۷۵	تأثیر اقتصادی کوتاه‌مدت
		رونق اقتصادی مقطعی	۷۶	تحرك مقطعی صنعت خودرو
			۷۷	کاهش قیمت خودرو در کوتاه‌مدت
			۷۸	رونق کوتاه‌مدت خودروسازی
			۷۹	رونق کوتاه‌مدت برای بانک‌ها
			۸۰	رونق بازار خودرو و لوازم جانبی
			۸۱	رونق بانک‌های وام‌دهنده
			۸۲	خروج موقتی از رکود خودروسازها
۱۴	رونق اقتصادی	رونق کسب و کار	۸۳	گردش سرمایه
			۸۴	رونق تولید
			۸۵	رونق اشتغال
		ارائه تسهیلات	۸۶	ارائه تسهیلات جهت تحرك اقتصادی
			۸۷	کاهش فاصله قیمت بین شرکت و بازار
			۸۸	کاهش تقاضا در بازار آزاد
۱۶	اتحاد جامعه	اتحاد حداقلی جامعه	۸۹	ایجاد کمپین نخریدن
			۹۰	اتحاد حداقلی جامعه
			۹۱	ایجاد کمپین نخریدن خودرو
۲۹	عدم همبستگی اجتماعی	نفاق و دودستگی جامعه - بی‌اعتمادی به همبستگی	۹۲	دنبال کردن منافع شخصی
			۹۳	دو‌دستگی در جامعه
			۹۴	بی‌اعتمادی جامعه
			۹۵	عیار جامعه سنجیده شد
			۹۶	بی‌اعتمادی جامعه

		ملت	متضرر مستقیم: کمپین خریدن خودرو	۹۷
			گسستن کمپین خریدن خودرو	۹۸
			بی‌اعتمادی به همبستگی ملی	۹۹
			برهم زدن کمپین خریدن خودرو	۱۰۰
			بی‌تفاوتی برخی از افراد	۱۰۱
			دو دستگی در بین مردم	۱۰۲
			حمایت از کمپین توسط عده‌ای	۱۰۳
			سرخوردگی شکست کمپین	۱۰۴
۳۷	منافع دولتی	شکست کمپین- دولت ناکارآمد- ارجحیت منافع دولت بر ملت- کنار گذاشتن سایر صنایع	شکستن کمپین	۱۰۵
			هوشمندانه و با هدف بوده است	۱۰۶
			به‌دنبال منافع خودش بوده است	۱۰۷
			با هدف برهم زدن کمپین خریدن صورت گرفت	۱۰۸
			حمایت دولت از صنعت خودرو	۱۰۹
			عیار دولت سنجیده شد	۱۱۰
			ناتوانی دولت	۱۱۱
			درنظر نگرفتن منافع مردم	۱۱۲
			هم‌دست بودن دولت و خودروساز	۱۱۳
			نجات دولت از رکود	۱۱۴
			ذی‌نفع مستقیم: دولت	۱۱۵
			جا ماندن صنایع دیگر از حمایت دولتی	۱۱۶
۳۰	اقتصاد وابسته	صنایع ذی‌نفع ذی‌نفع	ذی‌نفع مستقیم: خودرو سازها	۱۱۷
			ذی‌نفع غیرمستقیم: قطعه سازان	۱۱۸
			ذی‌نفع غیرمستقیم: لوازم یدکی‌ها	۱۱۹
			ذی‌نفع غیرمستقیم: خودروسازها	۱۲۰
			ذی‌نفع مستقیم: بانک‌ها	۱۲۱
			ذی‌نفع غیرمستقیم: بانک‌ها	۱۲۲
۲۶	دلالتی‌گری	ذی‌نفعان اصلی- واسطه‌گران و	ورود دلال بازی و واسطه‌گری	۱۲۳
			ذی‌نفع مستقیم: دلالان	۱۲۴
			هجوم دلالان	۱۲۵

		دلالتان	۱۲۶	ذی نفع غیرمستقیم: دلالتان
			۱۲۷	تلاش دلالتان برای برجسته سازی طرح
			۱۲۸	عصبانیت در بین دریافت نکردگان وام
			۱۲۹	واریز سود واقعی به جیب دلالتان
۵۵	جامعه متضرر	متضررین اصلی جامعه مصرف کننده واقعی	۱۳۰	عدم مشارکت متقاضی واقعی
			۱۳۱	هدر رفت سرمایه ملت
			۱۳۲	متضرر مستقیم: دریافت نکردگان وام
			۱۳۳	متضرر مستقیم: مصرف کننده واقعی
			۱۳۴	متضرر مستقیم: وام گیرندگان
			۱۳۵	متضرر مستقیم: متضرر مستقیم: مردم
			۱۳۶	متضرر غیرمستقیم: اکثریت جامعه
			۱۳۷	متضرر غیرمستقیم: وام گیرندگان
۱۶	بی اعتمادی دولت	بی اعتمادی به دولت	۱۳۸	شکاف دولت و ملت
			۱۳۹	بی اعتمادی به دولت
			۱۴۰	بی اعتمادی به خودروسازها
			۱۴۱	در نظر گرفتن منافع خودروساز
			۱۴۲	بی اعتمادی جامعه نسبت به دولت
۱۳	عدم استقلال	عدم استقلال - کیفیت پایین	۱۴۳	عدم استقلال خودروسازها
			۱۴۴	کیفیت پایین محصولات
			۱۴۵	به وجود آمدن اقتصاد دولتی
			۱۴۶	عدم خلاقیت و نوآوری در صنایع
			۱۴۷	عدم چالاکی صنایع
			۱۴۸	عدم کیفیت مناسب محصولات
			۱۴۹	هدایت نقدینگی به بازار خاص
			۱۵۰	تولید خودرو نامرغوب
۳۴	رفاه شهروندان	مالکیت خودرو اقشار کم درآمد	۱۵۱	ذی نفع مستقیم: اقشار کم درآمد
			۱۵۲	ذی نفع غیرمستقیم: خریداران
			۱۵۳	به نفع افراد کم درآمد
			۱۵۴	مالکیت خودرو توسط اقشار کم درآمد

			دستیابی قشر نیازمند به ماشین	۱۵۵
			صاحب خودرو شدن عده کمی از مصرف‌کنندگان	۱۵۶
			ذی‌نفع مستقیم: وام‌گیرندگان	۱۵۷
			صاحب خودرو شدن تعدادی از قشر کم‌درآمد	۱۵۸
	گسترش رفاه شهروندی		افزایش سفرهای خانواده	۱۵۹
			گسترده کردن رفاه برای جامعه	۱۶۰
			منافع کوتاه‌مدت برای خانوارها	۱۶۱
			عدم بازخورد اجتماعی مثبت	۱۶۲
۴۴	بازخورد اجتماعی	بازخورد منفی اجتماعی	بازخورد منفی	۱۶۳
			نداشتن بازخورد اجتماعی مثبت	۱۶۴
			داشتن بازخورد منفی اجتماعی	۱۶۵
			بازخورد کوتاه‌مدت	۱۶۶
		رفتار هیجانی	هجوم افراد کم‌درآمد برای گرفتن وام	۱۶۷
			هیجان‌زدگی اقشار جامعه	۱۶۸
			رفتار هیجانی	۱۶۹
			استقبال شدید	۱۷۰
		حداکثریت منافع جمعی	تأثیرات حداقلی، طولانی‌مدت باشد	۱۷۱
			تأثیرات به حداکثر خود برسد	۱۷۲
			منابع مالی دولت در جهت بهره‌مندی اکثریت جامعه هزینه گردد	۱۷۳
			بهره‌مندی اکثریت از حق مشترک	۱۷۴
			به حداکثر رسیدن ذی‌نفعان مستقیم و غیرمستقیم	۱۷۵
			بهره‌مندی اکثریت جامعه	۱۷۶
۳	اعتماد اجتماعی	اعتماد اجتماعی	رفتار صادقانه	۱۷۷
			ایجاد اعتماد اجتماعی	۱۷۸

منبع: یافته‌های تحقیق

طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) چه اثرات اجتماعی بر (چه ذین‌عان مستقیم و چه غیرمستقیم) جامعه دارد؟

جدول شماره ۲. برون‌داد نتایج آزمون فریدمن

چارک (کشیدگی)	میانگین	انحراف معیار	کوچکترین	بزرگترین			
					25	50	75
اتحاد جامعه	3.10	1.128	1	5	2.00	3.00	4.00
بی‌اعتمادی به دولت	3.18	1.117	1	5	2.00	4.00	4.00
رفاه شهروندان	3.39	1.099	1	5	2.25	4.00	4.00
رفتار هیجانی	2.86	1.448	1	5	2.00	3.00	4.00
عدم همبستگی اجتماعی	3.15	1.161	1	5	2.00	3.00	4.00
عدم اعتماد اجتماعی	3.23	1.093	1	5	2.00	4.00	4.00

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۳. جدول رتبه‌بندی

میانگین رتبه‌ای	
3.95	اتحاد جامعه
4.45	بی‌اعتمادی به دولت
3.95	رفاه شهروندان
2.95	رفتار هیجانی
2.60	عدم همبستگی اجتماعی
3.10	عدم اعتماد اجتماعی

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۴. نتایج آزمون فریدمن

20	N
84.130	Chi-Square
5	Df
.000	Asymp. Sig.

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد مقدار محاسبه‌شده به میزان ۸۴,۱۳۰ با درجه آزادی ۵ در سطح ۰,۰۱ معنی‌دار است و بنابراین مشخص می‌گردد که بین گروه‌های مختلف از نظر منفعت و تضرر تفاوت وجود دارد. بنابر نتایج مشاهده شده در جدول شماره ۴ خودروسازها بیشترین منفعت و مردم و وام‌گیرندگان کمترین منفعت را برده‌اند و یاحتی می‌توان گفت متضرر شده‌اند. بنابر نتایج به‌دست‌آمده مشخص گردید که در این طرح جامعه متضرر اصلی است، درواقع چه وام‌گیرندگان و خریداران مصرف‌کننده و چه کسانی که از طرح استفاده نکرده‌اند جزو متضرران اصلی هستند به این دلیل که از منافع جمعی در این طرح دیده نشده بود و حتی خریداران اصلی به واسطه بدهکاری به بانک متضرر گردیدند و اکثریت جامعه که از طرح استفاده نکردند با تورم ناگهانی روبه‌رو شدند. در این طرح بیشتر منافع را دولت و دلان خودرو به‌دست آوردند. و برخی نیز معتقدند که باید منافع جمعی اکثریت در نظر گرفته می‌شد.

بازخوردهای اجتماعی اجرای طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) از طرف جامعه چه بوده است؟

جدول شماره ۵. برونداد نتایج آزمون فریدمن

چارک (کشیدگی)			بزرگترین	کوچکترین	انحراف معیار	میانگین	
75	50	25					
3.00	2.00	1.00	6	1	1.439	2.22	رفتار هیجانی
3.00	2.00	1.00	6	1	1.106	1.98	بی‌اعتمادی به دولت
2.00	1.00	1.00	6	1	1.052	1.59	رفاه شهروندان
3.00	2.00	1.00	6	1	1.416	2.17	اتحاد جامعه
2.00	1.00	1.00	5	1	.858	1.53	عدم همبستگی اجتماعی
2.00	1.00	1.00	3	1	.675	1.42	عدم اعتماد اجتماعی

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۶. جدول رتبه بندی

میانگین رتبه ای	
4.15	رفتار هیجانی
3.95	بی‌اعتمادی به دولت
3.08	رفاه شهروندان
4.06	اتحاد جامعه
2.96	عدم همبستگی اجتماعی
2.80	عدم اعتماد اجتماعی

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۷. نتایج آزمون فریدمن

20	N
69.611	Chi-Square
5	df
.000	Asymp. Sig.

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد مقادیر محاسبه شده به میزان ۶۹٫۶۱۱ با درجه آزادی ۵ در سطح ۰٫۰۱ معنی‌دار است و بنابراین مشخص می‌گردد که بین بازخوردهای مختلف اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. جدول شماره ۶ نیز نشان می‌دهد که رفتار هیجانی رتبه‌ی بالاتری نسبت به بقیه دارد و عدم اعتماد اجتماعی در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد. اما نتایج در کل نشان می‌دهد که طرح فوق باعث ایجاد رفتار هیجانی و بازخوردهای مثبت و منفی در جامعه شده است. درواقع در زمان اجرای طرح بازخورد اجتماعی به‌صورت رفتار هیجانی در جامعه رخ داد. در بین بازخوردهای اجتماعی مثبت می‌توان به اتحاد جامعه و رفاه شهروندان نیز اشاره کرد و عدم همبستگی جامعه، بی‌اعتمادی به دولت و عدم اعتماد اجتماعی از بازخوردهای اجتماعی منفی است.

بازخوردهای اقتصادی طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) از طرف جامعه چه بوده است؟

جدول شماره ۸. برون داد نتایج آزمون فریدمن

چارک (کشیدگی)			بزرگترین	کوچکترین	انحراف معیار	میانگین	
75	50	25					
3.00	2.00	2.00	5	1	1.214	2.50	ایجاد بحران اقتصادی
4.00	3.00	2.00	5	1	1.186	3.02	رونق اقتصادی
3.00	3.00	1.00	4	1	1.110	2.43	رفع موقتی بحران
4.00	4.00	2.00	5	1	1.298	3.33	خروج از رکود
4.00	3.00	2.00	4	1	1.054	2.80	تحرک اقتصادی مقطعی
4.00	4.00	3.00	5	1	1.013	3.70	وابستگی صنایع

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۹. جدول رتبه‌بندی

میانگین رتبه‌ای	
2.99	ایجاد بحران اقتصادی
3.45	رونق اقتصادی
2.79	رفع موقتی بحران
4.02	خروج از رکود
3.30	تحرک اقتصادی مقطعی
4.45	وابستگی صنایع

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱۰. نتایج آزمون فریدمن

20	N
47.488	Chi-Square
5	df
.000	Asymp. Sig.

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد مقادیر محاسبه شده به میزان ۴۷,۴۸۸ با درجه آزادی ۵ در سطح ۰,۰۱ معنی‌دار است و بنابراین مشخص می‌گردد که بین بازخوردهای اقتصادی طرح تفاوت وجود دارد. نتایج جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد که وابستگی صنایع در رتبه‌ی اول و رفع موقتی بحران در رتبه‌ی آخر قرار گرفته است. بازخوردهای اقتصادی طرح منجر به ایجاد بحران اقتصادی گردیده است که شامل ایجاد تورم، بروز مجدد بحران اقتصادی و افزایش بدهی‌های بانکی است که بازخوردهای منفی است، از دیگر بازخوردهای منفی طرح می‌توان به وابستگی صنایع اشاره کرد و از جمله بازخوردهای اقتصادی مثبت می‌توان به رفع موقتی بحران، تحرک اقتصادی موقت، خروج از رکود و رونق اقتصادی مقطعی اشاره کرد.

تا چه میزان ضرورت آینده‌نگری (پیش‌بینی کردن رفتار اجتماعی) و تبیین دقیق خط مشی اقتصادی در اجرای طرح تحرک اقتصادی دولت (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو در سال ۱۳۹۴) در نظر گرفته می‌شود، تا اثرات سوء اجرای این طرح کنترل و حداقل‌سازی شود؟

جدول شماره ۱۱. برونداد نتایج آزمون فریدمن

چارک (کشیدگی)	بزرگترین	کوچکترین	انحراف معیار	میانگین	
75	50	25			
5.00	4.00	2.50	5	1	1.144
4.00	3.00	2.00	5	1	1.196
					3.75
					3.17

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی ۱۲. جدول رتبه‌بندی

میانگین رتبه‌ای	
1.59	عدم آینده‌نگری
1.41	لزوم آینده‌نگری

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول شماره‌ی ۱۳. نتایج آزمون فریدمن

20	N
3.903	Chi-Square
1	df
.048	Asymp. Sig.

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد مقادیر محاسبه شده به میزان ۳٫۹۰۳ با درجه آزادی ۱ در سطح ۰٫۰۵ معنی‌دار است و بنابراین مشخص می‌گردد که بین عدم آینده‌نگری و لزوم آینده‌نگری در اجرای طرح تفاوت وجود دارد. نتایج جدول شماره‌ی ۱۲ نشان می‌دهد که این تفاوت هرچند وجود دارد اما اندک است. بدین معنی که هر دوی این موارد نشان می‌دهند که برای اجرای چنین طرح‌های لازم است که آینده‌نگری وجود داشته باشد.

نتیجه‌گیری

بنابر نتایج به‌دست‌آمده مشخص گردید که ذی‌نفعان اصلی طرح وام ۲۵۰ میلیون ریالی، دولت، بانک‌ها، خودروسازان و از همه بیشتر دلالتان بوده‌اند و اکثریت جامعه و مصرف‌کنندگان واقعی از متضرران طرح وام ۲۵۰ میلیون ریالی بوده‌اند. نخبه‌گان اقتصادی و جامعه‌شناسان حوزه‌ی اقتصاد بر این باورند که طرح فوق طرحی ناموفق بوده است زیرا در آن آینده‌نگری طرح دیده نشده است و به صورت طرحی برای رفع مقطعی مشکلات اقتصادی خودروسازان اجرا گردیده است. بنابر نظر آنها طرح فوق عملاً مشکلات اقتصادی را رفع ننموده است و بیشتر بر بروز مشکلات اقتصادی دامن زده است و موجب بروز تورم گردیده است. در کل می‌توان گفت که در طرح اجراشده بیشتر سرمایه‌گذاران و سرمایه‌داران سود برده‌اند و جامعه و مصرف‌کنندگان واقعی حتی آنها که وام دریافت کردند نیز متضرر گشته‌اند.

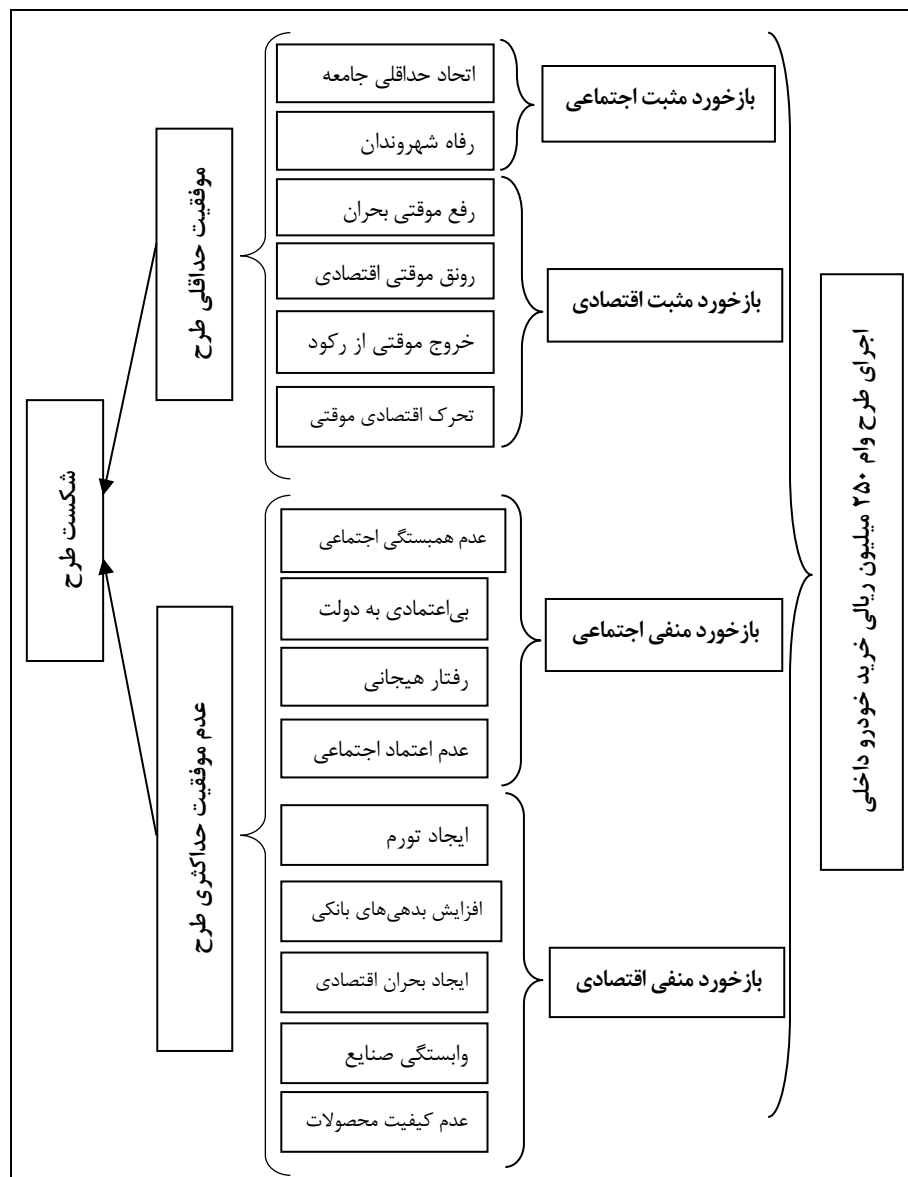
همچنین، مشخص گردید که بازخوردهای اجتماعی طرح بیشتر منفی بوده است تا مثبت. بازخوردهای منفی طرح نشان می‌دهد که رفتار جامعه در زمان اجرا رفتاری هیجانی بوده است. قبل از اجرای طرح کمپینی توسط برخی از افراد جامعه تشکیل گردید که منجر به رکود فروش خودرو صفر داخلی در کشور شده بود که در زمان اجرای طرح کمپین از طرف برخی افراد که دلالتان و وام‌گیرندگان شکسته شد. در زمان اجرای طرح سعی بر این شد با تشویق مردم به شرکت در کمپین اتحاد جمعی‌ای به‌وجود آید اما در همان زمان نیز از طرف برخی دیگر کمپین شکسته شد. درواقع بازخورد مثبت طرح اتحاد جمعی در بین جامعه بود که با شکسته شدن این اتحاد بازخوردی منفی برجای ماند که همان عدم همبستگی جامعه و بروز دو دستگی و نفاق بین افراد شد. از دیگر بازخوردهای منفی طرح وام ۲۵۰ میلیون ریالی بی‌اعتمادی جامعه به دولت و خودروسازان بود. درواقع دولت به‌دنبال منافع خود و خودروسازان و همچنین بانک‌ها بود که این امر باعث بی‌اعتمادی جامعه گشت. بی‌اعتمادی جامعه می‌تواند آسیب‌های زیادی در طولانی مدت به بار آورد که دولت این امر را در زمان اجرا و ارائه طرح در نظر نگرفته بود. از بازخوردهای مثبت اجتماعی طرح می‌توان تنها به اتحاد حداقلی جامعه و رفاه برخی از شهروندان که مالکیت خودرو به‌دست آوردند اشاره کرد. بازخوردهای اقتصادی طرح نیز بیشتر بازخورد منفی است تا مثبت. بازخوردهای منفی اقتصادی شامل ایجاد بحران اقتصادی، ایجاد تورم، افزایش بدهی‌های بانکی و وابستگی صنایع به دولت اشاره کرد. درواقع طرح فوق مقطعی بود و زمان اجرا به‌دلیل عدم آینده‌نگری که می‌توانست به مرور زمان از بازخوردهای منفی اقتصادی بکاهد بیشتر به بحران اقتصادی در کشور دامن زد. بنابر نظر خبرگان اقتصادی و جامعه‌شناسان اقتصادی برخی از افراد جامعه با نشان دادن یک رفتار هیجانی اقدام به دریافت وام ۲۵۰ میلیون ریالی کردند و این باعث رشد نقدینگی و ایجاد تورم در جامعه گردید.

همچنین، ورود دلالتان به بازار و دریافت وام و خرید خودرو بعد از اتمام طرح باعث رشد قیمت خودرو گردیدند و این از اثرات منفی این طرح بود که هنوز در جامعه در حال رشد است. از دیگر بازخوردهای منفی اقتصادی، وابستگی صنایع مخصوصاً صنعت خودروسازی به دولت بود. زمانی که صنعتی بدون حضور در بازار رقابتی و تحت حمایت دولت باشد پیشرفتی در کیفیت محصولات آن مشاهده نمی‌شود و از این‌رو کیفیت محصولات افت کرده و این به ضرر مشتریان است. درواقع در این طرح مشخص گردید که دولت به دنبال منافع خودروسازان است تا مشتریان و جامعه، و بر همین اساس جامعه نسبت به دولت بی‌اعتماد گردید. اما، از جمله بازخوردهای اقتصادی مثبت می‌توان تنها به رفع موقتی بحران، تحرک اقتصادی موقت، خروج از رکود و رونق اقتصادی مقطعی اشاره کرد. درواقع همین بازخوردهای مثبت هم‌ریشه‌ای در بازخورد منفی دارد. رفع موقتی بحران و خروج موقتی از رکود امری است که نمی‌تواند دیدگاه مثبتی نسبت به طرح به وجود آورد. در کل می‌توان گفت طرح فوق طرحی مثبت از نظر اقتصادی نبوده است.

طبق نظریه آزادی اقتصادی کلاسیک‌ها دخالت عملاً موجب تخصیص نامطلوب منابع می‌شود و گذشته از آن عملکردهای دولت اغلب با نوعی رهبری غیرکارآمد همراه بوده و بسیاری از سیاست‌های پولی و مالی که اتخاذ می‌کند موجب می‌شوند که بر انگیزه‌های اقتصادی لطمه وارد شده و کارایی سیستم کاهش یابد. معتقدان این دیدگاه فعالیت‌های بخش خصوصی را بری از موارد ضعف یادشده می‌پندارند و معتقدند که دولت باید در بازارهای مالی، کالاهای قابل مبادله و بازار کار دخالت خود را کم کند. زیرا تنظیم نرخ‌های بهره و کنترل ورود به بازارهای مالی از عملکرد کارآمد بازارهای مذکور جلوگیری می‌کند و این مقررات مانع از جریان آزاد سرمایه در اقتصاد می‌شوند (افتخاری، ۱۳۸۳). بنابراین، دخالت دولت در اقتصاد، مخصوصاً صنایع امری است که موجب تزلزل بازار و اقتصاد می‌شود.

بانک جهانی (۱۹۹۷، ۸۱-۸۰) بیان می‌کند که با توجه به تجارب قرون و اعصار گذشته این نتیجه حاصل می‌شود که دولت‌ها می‌توانند فرایند توسعه را از طریق راه‌های متعدد بهبود بخشند. ضمن این که همین تجارب تاریخی نشان می‌دهند که دخالت دولت می‌تواند منشاء بسیاری از آسیب‌ها نیز باشد. (افتخاری، ۱۳۸۳). پس، دخالت دولت در اقتصاد و صنعت به گونه‌ای به جامعه و اقتصاد لطمه زده و باعث فروپاشی اقتصادی می‌گردد. همان‌گونه که در این پژوهش مشخص گردید طرح اجرایی دولت نتوانست رکود اقتصادی را از بین ببرد و حتی منجر به بروز مجدد بحران‌های اقتصادی دیگر نظیر ایجاد تورم و بدهی‌های بانکی گردیده است. علاوه بر بازخوردهای منفی اقتصادی طرح فوق بازخوردهای منفی اجتماعی نیز در بر داشت که آن از بحران اقتصادی وخیم‌تر است و جبران آن یعنی بازگرداندن اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی سخت است.

درواقع، آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است برگرفته از نظر نخبه‌گان و اساتید در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی است. نتایج این پژوهش نشان داده است که طرح تحرک اقتصادی‌ای (وام ۲۵۰ میلیون ریالی خرید خودرو) که در سال ۱۳۹۴ اجرا گردید ممکن است در ابتدای امر و در زمان اجرا برای صنعت خودروسازی مؤثر و مفید بوده است اما، به‌جای آنکه به این صنعت رونق دهد بیشتر آن را به وابستگی به سمت دولت کشانده است و از طرفی زمانی که رقابت در صنعت وجود نداشته باشد کیفیت محصولات پایین می‌آید. در نتیجه‌گیری کلی این پژوهش به این امر دست یافته است که عدم آینده‌نگری و عدم کنترل تبعات اجرای طرح بیشتر به بطن جامعه و اقتصاد آن ضربه زده است. براساس یک رابطه‌ی علت و معلولی می‌توان گفت که این پژوهش به نتیجه دست یافته است که با دخالت دولت، بازار و صنعت بیشتر رو به افول قدم می‌گذارند. باتوجه به بازخوردهای مثبت و منفی طرح مدل زیر ارائه می‌گردد:



شکل شماره ۱. مدل نهایی پژوهش

منبع: یافته‌های تحقیق

بنابراین امر که، مشخص گردید بازخوردهای اجتماعی و اقتصادی طرح بیشتر منفی بوده است تا مثبت. پیشنهاد می‌شود در جهت کاهش بازخوردهای منفی طرح‌های آتی قبل از اجرای طرح در مرحله‌ی فاز صفر پژوهش‌هایی جهت بررسی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی طرح انجام شود تا از بروز بازخوردهای منفی جلوگیری شود. این پژوهش‌ها می‌تواند در راستای رفتار جامعه در زمان اجرا، جلب اعتماد جامعه به دولت و صنایع، رفاه عموم شهروندان، بحران اقتصادی، ایجاد تورم، کاهش بدهی‌های بانکی و وابستگی صنایع به دولت باشد. همچنین، آینده‌نگری در طرح می‌تواند از بازخوردهای منفی اجتماعی و اقتصادی بکاهد و از بروز بحران اقتصادی و اجتماعی در کشور جلوگیری کند. همچنین، از ورود دلالتان به بازار و دریافت وام و خرید خودرو یا هر صنعت دیگری جلوگیری شود. از دیگر بازخوردهای منفی اقتصادی، وابستگی صنایع مخصوصاً صنعت خودروسازی به دولت بود بنابراین پیشنهاد می‌شود که بازار رقابتی به‌وجود آید تا کیفیت محصولات بهبود و افزایش یابد و دولت به دنبال منافع مشتریان و جامعه باشد تا خودروسازان، و برهمین اساس پیشنهاد می‌شود دولت در پی کسب اعتماد جامعه باشد.

منابع

۱. ابراهیمی، بهنام؛ واعظ برزانی، محمد؛ دلالی اصفهانی، رحیم و فخار، مجید (۱۳۹۵). "مطالعه تجربی تأثیر توسعه کیفی نظام مالی بر رشد اقتصادی (مورد ایران)"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های انسان و توسعه اقتصادی، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۸۴-۷۱.
۲. اسمیت، آدام (۱۳۵۷). ثروت ملل، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، تهران: پیام.
۳. افتخاری، حمید (۱۳۸۳). "مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد"، مطالعات برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، صص ۲۶-۱.
۴. تسلیمی، حسین (۱۳۹۴). "دولت، حاکمیت قانون و توسعه"، ضمیمه اقتصادی روزنامه شرق.
۵. دادگر، یدالله (۱۳۸۰). "مروری بر ادبیات نقش و جایگاه دولت در اقتصاد"، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، سال اول، شماره ۲، صص ۷۱-۲۱.
۶. رنانی، محسن (۱۳۸۱). ماهیت و ساختار دولت در ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱). نظریه رفاه، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۸. کمیسیون اقتصاد کلان- اتاق ایران (۱۳۹۳). "اقتصاد ایران در نبود راهبرد توسعه"، تهران: کمیسیون اقتصاد کلان.
۹. مردوخ، بایزید (۱۳۸۸). "بودجه ریزی و نظام تدبیر در ایران"، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گزارش شماره ۱۵-۸۸-۱-۴۰.
۱۰. میرزایی، خلیل (۱۳۹۵). کیفی پژوهی: پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی، تهران: فوژان.
۱۱. محمودی، سیدجلال؛ ازکیا، مصطفی و موسائی، میثم (۱۳۹۹). "مطالعه جامعه‌شناختی پیامدهای اقتصادی تعرفه‌گذاری کالاهای وارداتی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی در ایران"، فصلنامه علمی اقتصاد بانکداری اسلامی، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۲۰۹-۱۷۵.
۱۲. موسوی، میرطاهر و محمدی، محمدعلی (۱۳۸۸). مفاهیم و نظریه‌های رفاه اجتماعی، تهران: دانژه.
۱۳. نبوی، سیدحمید و امینی رازانی، مصطفی (۱۳۹۰). "سیاست‌های اقتصادی و مشکلات اجتماعی در ایران"، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص ۲۹۱-۲۶۹.

۱۴. وصالی، سیدسعید و بساطیان، سیدمحمد (۱۳۹۰). "بررسی جایگاه دولت فعال در ایران" در باب تطبیق تابع رفاه دولتی با تابع رفاه اجتماعی در ایران"، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۶۹-۹۲.

15. Arcand, J. L., Berkes, E. & Panizza, U. (2011). "Too Much Finance? IMF Working Paper WP/12/161, Retrieved from: <http://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2012/wp12161.pdf>.
16. Benos, Nikos (2009). Fiscal policy and economic growth: empirical evidence from EU countries, MPRA Paper 19174, University Library of Munich, Germany.
17. Beugelsdijk, Sjoerd & Van Schaik, Ton (2005) Social Capital and Growth in European Regions: An Empirical Test; European Journal of Political Economy.
18. Chavez, S. (2019). United Farm Workers of America. <https://uflw.org/>
19. Chou, Yuan K. (2003) Three Simple Models of Social Capital and Economic Growth; The Journal of Socio-Economics.

